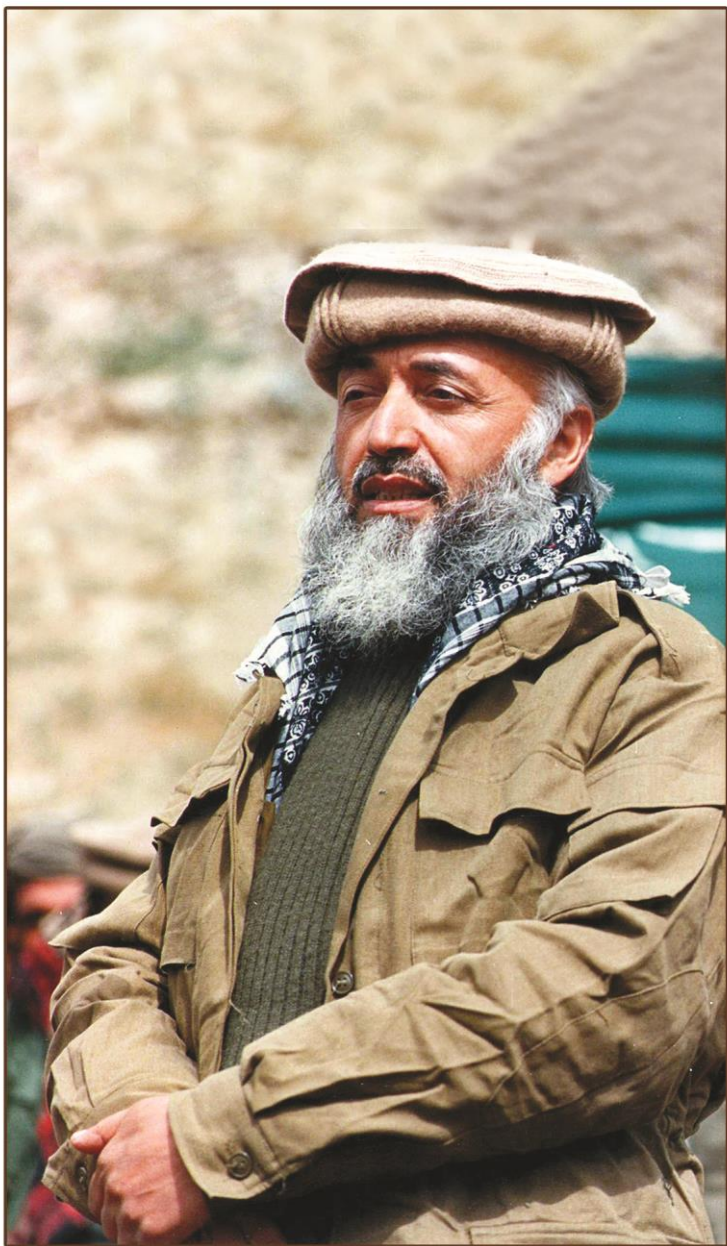






مرکز تدوين آثار رهبر شهيد
استاد برهان الدين رباني

بسم الله الرحمن الرحيم

سکوت وحشتناک

نشته‌ای از:

شهید پروفیسور برهان الدین ربانی

شناسنامه کتاب

نام کتاب: سکوت وحشتناک؛

چاپ نخست: ۱۳۹۳ خورشیدی؛

حروف نگاری: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

ویرایش و تحشیه: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

طرح جلد و برگ آرای: مرکز گرافیک کلک؛

شمارگان: ۵۰۰۰؛

تعداد صفحه: ۸۱؛

قطع: جیبی؛

قیمت: ۵۵ افغانی؛

چاپ خانه: بهیر؛

Sh_rabbani1390@yahoo.com

فهرست عناوین

۱. یادداشتِ مرکز..... ۱۱
۲. سکوت و حشتناک در برابر فاجعهٔ خونین ملت
مُسْتَضْعَفِ افغان..... ۱۳
۳. پیام به مردم مسلمان افغانستان..... ۲۷
۴. داستان حلّ سیاسی..... ۴۱
۵. نمایه..... ۵۵
۶. روی کردها..... ۷۹

یادداشتِ مرکز

رساله‌ای که فراچنگِ شما قرار دارد، حاصل سه نبشتار رهبر شهید رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ است که دو مقالهٔ اوّلی آن، در ضمنِ رساله‌ای به مناسبت برگزاری اوّلین کنگرهٔ سرتاسری «جمعیت اسلامی افغانستان» بعد از پیروزی به دست نشر سپرده شده بود؛ اما مقالهٔ سوّمی این نبشتار، در ثور ۱۳۶۵ هـ.ش، از سوی «کمیتهٔ فرهنگی جمعیت اسلامی افغانستان» به گونهٔ مستقل تحت عنوان، «داستان حلّ سیاسی» راهی چاپ‌خانه شده بود و در مجموع، محتوای این نبشتاری که جمع‌آمد آن سه مقاله است، بر محور جنایاتِ روس‌ها و روس‌مآب‌ها و بر چهره‌نمایی از پلان‌ها و توطئه‌های شوم‌شان می‌چرخد و از این بیشتر لازم نمی‌پنداریم که چیزی بیفزایم؛ چون هدف «مرکز تدوین آثار رهبر شهید» این است که آثار رهبر شهید رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ را آن‌گونه که هست، در اختیار خوانندگان گرامی قرار دهد و خواننده خود، در مباحثی مطرح از سوی رهبر شهید رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ به قضاوت بنشیند، از این‌رو «مرکز تدوین آثار رهبر شهید» پس از دستیابی به آثار رهبر شهید رَحْمَةُ اللهِ عَلَيْهِ، دست به ویرایش و تحشیه می‌زند و کاری که در ویرایش و تحشیه داریم این است:

در گام نخست؛ پس از پیاده کردن متن نبشته، مطابق به

دستورالعمل تدوینی خویش دست به ویرایش می‌زنیم و از

آن بعد در کنار مُعَرِّفی نام‌ها، اماکن، گروه‌ها، اصطلاحات، استخراج احادیث، ارجاع آیات، مستندسازی روایات و نقل قول‌ها، ترجمه آیات، احادیث و متون عربی و توضیح نکات قابل توضیح، تدوین روی کردها و ویرایش، نمایه‌ای از آیات، احادیث، اشعار، اشخاص، اماکن، احزاب، گروه‌ها و مفاهیم وارده در کتاب را در پای آن ردیف می‌کنیم.

به هر حال؛ آرزومندیم که بتوانیم با این کار ظاهراً کوچک، روزنه‌ای را به سوی اندیشه‌های استادِ سخن و استادِ صحنه، گشوده باشیم، وَمَا ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ.

مرکز تدوین آثار رهبر شهید

سکوت وحشتناک در برابر فاجعهٔ خونین
ملت مُستضعفِ افغان

هم‌وطنان محکوم ما خبر دارند که در این هفته، وزارت داخله رژیم سفاک و خون‌آشام دارودسته «خلق»^۱ فهرستی را بر دیوارهای ننگین آن وزارت، آویخت که در آن، نام دوازده هزار شهید زندانی و مفقودالاثر بودن پنجاه هزار فرزندان آزاده و اصیل ملت محکوم و زجر دیده افغان، به چشم می‌خورد،^۲ هدف از افشاساختن این وثیقه جنایت‌بار، به‌زعم «امین غدار»،^۳ نقاب‌برداری از عهد ننگین تره کی بود،

۱. خلق و پرچم؛ حزب چپ‌گرا و مارکسیستی‌است که دوشاخه‌ای از حزب دموکراتیک خلق افغانستان بودند، شاخه پرچم را «ببرک کارمل» و شاخه خلق را «تره کی» رهبری می‌کرد، این حزب در زمان حکومت «نجیب» نامش را تغییر داد و به‌نام «حزب وطن» یاد می‌شد، کودتای منحوس هفتم ثور و تجاوز وحشیانه و ددمشانه شوروی سابق که سرآغاز مصیبت‌ها و بدبختی‌های مردم مسلمان و مجاهد ما شد، شهادت، معلولیت و معیوبیت بیش از دویسمیلیون از مردم مسلمان ما و به زندان کشاندن میلیون‌ها انسان بی‌گناه و هزاران گور دسته‌جمعی در هر گوشه کشور عزیزمان را به همراه داشت، همه از جنایات شوم این دو حزب و حامیان آن‌هاست. نگاه: ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد و کتاب «دسایس و جنایات روس در افغانستان»، دکتر شیر احمد نصری حق‌شناس.

۲. این اعلان ننگین و شرم‌آور؛ در سوم عقرب سال ۱۳۵۸ هـ.ش، صورت گرفته بود.

۳. حفیظ الله امین فرزند حبیب الله؛ در روستای «قاضی خیل» پغمان به دنیا آمد، در سال ۱۹۶۵م، به عضویت حزب خلق درآمد و در مدت کوتاهی مسئولیت

امین جَلّاد که از دست و دندانش خون بی گناهان می چکد، به شیوهٔ پیروان مکتب کمونیزم بی شرمانه تلاش دارد، جنایاتی را که با تره کی یکجا انجام داده انکار کند؛ اما ملّت مسلمان افغانستان، می داند که در این جنایت ها فرد فردِ سردمداران دارودسته خلق شریک اند، هرگز جانیانِ آدم گُش را مُعاف نخواهد کرد.

افشاشدن این صفحهٔ خونی از جنایات عُمّال اجنبی، موج عظیمی از خشم و نفرت را در سراسر کشور برانگیخت، هم زمان با بروز توفانی از قهر و خشم، درودیوار غم زدهٔ کشور محکوم ما، شاهد صحنه های رقت باری - نیز - گردید، فاجعهٔ جدیدی در میان ملّت جفادهٔ ما عیان گشت، فریادِ مادران داغ دیده ای که جگر گوشه های محبوب شان، در پشتِ میله های زندان جَهَنمی رژیم جان داده بودند، در فضا پیچیده، آه و دردِ زنان باعفت که دشت های خاردارِ

شاخهٔ نظامی حزب را به کمک آموزگارش؛ یعنی تره کی به دست گرفت و بر اساس همین موقف بود که به گفتهٔ بعضی ها طرح کودتای هفت ثور را ریخت و داود خان را سرنگون کرد، امین بعد از قتل رهبر کبیرش با شعار مصونیت، قانونیت و عدالت به عنوان فرد شماره یک حزب، امور کشور را به دست گرفت و تمام جنایات گذشتهٔ خود و اعضای دیگر احزاب خلق و پرچم را به گردن تره کی انداخت، گفته می شود که امین با وجود ادعای روسی تر بودن خود، از دیگران، در زمان تحصیلات خود در دانشگاه کولمبیا، کمک های غیر مستقیم «CIA» را - نیز - دریافت می کرد و نقش یک جاسوس چندجانبه را بازی می کرد، پلان قتل امین که به وسیلهٔ جنرال «پاپوتین» و «تاییف» سفیر شوروی تحت نظر «مارشال سکولوف» معاون اوّل وزارت دفاع شوروی طراحی گردیده بود، در قصر خودش عملی گردید، روس ها بر اساس این طرح در ابتدا او را با سوپ مسموم کرده و به تعقیب آن با یک یورش برق آسا وی را به قتل رسانیدند، با نابودی امین و پایان حکومت صد روزه اش، روس ها بیرک را که از آن به عنوان «یابوی لجام گسیخته» یاد می کردند، در افغانستان به قدرت رسانیدند. نگاه: سایت پیام آفتاب.

«پل چرخى»^۴ به خون همسرانِ بى گناه‌شان تر شده بود، صحنه جگرسوزى را به میان آورد.

فغان و واويلایِ کودکانِ یتیمی که پدران غیرتمند شان به دستِ جَلّادانِ خلقی، به خَاک و خون غلتیده بود، ضمیرِ هرانسان باضمیرِ را به شدّت رنج می داد، مشاهده این صحنه‌های رَقّت‌انگیز، واقعیت‌هایی را در برابر چشم مَلّت ما، مُجَسّم ساخت که در دو صحنه عیان گشت، در یک طرف چهره‌های ملکوتی فرزندانِ صُدّیق اسلام و شهیدانِ آزاده راه حق و عدالت، به یادشان می آمد که با وجود شکنجه‌های وحشیانه و تعذیبِ توسّط دنده‌های برقی که مغز و استخوان‌شان را می کاوید؛ تا پای جان ثبات و استقامت کردند و شجاعانه جام شهادت را نوشیدند، آن سربازان رشید اسلام که در نیمه شب‌ها بدن‌های مجروح و تگّه‌تگّه شده‌شان لُخت و برهنه می شد و زیرِ بلدوزرها در دشت‌های پل چرخى به خاک هموار می گشت؛ اما با این حال، در برابر جَبّارانِ مزدورى که از سر و پای‌شان ننگ و نفرین می بارد، تسلیم نشدند.

۴. پل چرخى؛ ساحه بزرگى است که در شرق ولایت کابل قرار دارد، در این ناحیه زندان مرکزی مرکباً وجود دارد که در سال ۱۳۵۰ هـ ش، توسّط داود خان اعمار گردیده بود، این زندان به شکل قلعه پنج ضلعی مسدود و از هرطرف با دروازه بزرگ ورودی و برج و باره محکم برای محافظین اعمار گردید، این زندان برای تقریباً شش هزار محبوس نقشه شده بود، در سال ۱۳۵۷ هـ ش، نام این زندان زیاد مشهور گردید؛ چون هزارها انسان بى گناه و اکثراً مسلمانان و مجاهدان جان برکفی که برای دفاع از دین‌شان برخاسته بودند، توسّط رژیم سفاکِ خلق و پرچم، به این زندان انداخته می شدند و با شدیدترین عذاب آنها را به شهادت می رساندند. نگاه: افغانستان در پنج قرن اخیر، میر محمد صدیق فرهنگ، ص: ۹۶۵، و ویکی پدیا، دانشنامه آزاد.

آری، از یک سو صحنه‌های شهیدان گمنامی که در دل شب، توسط باند تروریست خلقی، از خانه‌های شان ربوده شده و در شکنجه‌گاه جان داده‌اند، در پیش چشم ملت ما مُجَسِّم می‌شد، در جانب دیگر قیافه‌های ننگین و نفرت‌بار، عُمال خاین خلقی‌های مزدور، چاکران استعمار، جَلّادان حقیر، عیان می‌شد که سراپا غدر و خیانت‌اند و این‌ها نه تنها به ملت افغان غدر می‌کنند؛ بلکه در میان خود هم جز غداًری، شیوه و سلوکِ دیگری را نمی‌شناسند.

کشتار زندانی‌های سیاسی، بدون مُحاکمه و مخصوصاً کشتن آن همه زندانی‌هایی که از عهد پیش از کودتای خونین هفت‌ثور، زندانی بودند، جنایتی است که در قاموس بشری نظیر آن کم‌تر دیده می‌شود.

کشف این وثیقه جنایت، حقایقی را در برابر ملت ما قرار می‌دهد، به این شرح:

یک‌بار دیگر ثابت شد که دارودسته ننگین خلقی امتدادی است، از رژیم استبدادی «داود خان»^۵ چه همان

۵. داود خان؛ در سرطان سال ۱۲۸۸ هـ ش، در شهر کابل به دنیا آمد، پس از پایان تعلیمات ثانوی نظامی، در سال ۱۹۳۱ م، وارد دانشکده افسران اردو گردید، در دوران دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰ م، وی در پست‌های گوناگونی ایفای وظیفه کرد، در سال‌های ۱۹۴۹ - ۱۹۵۰ م، وزیر دفاع و از سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۳ م، به عنوان نخست‌وزیر کشور بود، ظاهرشاه، پادشاه افغانستان، او را در سال ۱۹۶۳ م، برکنار کرد، در ۲۶ سرطان ۱۳۵۳ هـ ش، با تَوَسُّل به کودتای نظامی سرد، ظاهرشاه پسر کاکایش را از سلطنت خلع کرد، نظام جمهوری را بنا نهاد، وی از ابتدا دارای افکار چپی و یک‌ناسیونالیست بود، از این رو با حزب دموکراتیک، به‌ویژه شاخه پرچم، روابط نزدیکی داشت و از آن‌ها در پیروزی کودتا استفاده کرد، پس از پیروزی برای کدرهای این جناح، پست‌های مهم و کلیدی داده شد، گفته می‌شود که در اواخر سال‌های قدرتش از مسکو و از چپی‌ها فاصله گرفت، به هر حال؛ پس از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ هـ ش، حزب

فرزندان اصیل افغان که به جُرْمِ مُقاوَمَتِ علیه استبداد داود اسیر شده بودند، به دست کثیفِ خلقی‌ها شهید شدند و اینکه چرا خلقی‌ها داود را کشتند، جواب آن را مردارشدنِ تره‌کی به دست امین و تاریخ پر از غدر و خیانتِ کمونیزم، خود می‌دهد.

کشفِ این وثیقه، قاطعانه نشان می‌دهد که غدر و خیانت، از اصول عمدهٔ رژیمِ مردود و غیرانسانی کمونیزم است.

همدستان تروریستِ «استالین»^۶ که بیش از ده میلیون انسان را کشته بودند، بعد از مرگ او، همهٔ این جنایات را جُرْمِ جَلادسابق دانسته، چکُش برداشته بر فرق مُجَسَّمِ سنگی او کوبیدند و با این روش منافقانه، می‌خواستند خود را کبوتران صلح و انسان‌های متمدنِ مُعرّفی کنند و این کار را در حالی می‌کردند که هرروز هزاران تن از انسان‌های بی‌گناه را به جُرْمِ اینکه زنجیر غلامی شوروی را به گردن ندارند، در «عراق»^۷ و «عَدَن»^۸ «مصر»^۹ و «سوریه»^{۱۰} و سایر

دموکراتیک خلق، داود را با ۳۹ نفر از اعضای فامیلش به قتل رسانیدند. در مورد داود می‌توانید به کتاب‌های ذیل نگاه کنید: داود خان گذشتهٔ ننگین، حاضر جنایت‌بار، مستقبل هولناک و سیمای زعامت داود خان، استاد شهید رَحْمَةُ اللهِ عَلَیْهِ و ویکی‌پدیا، دانشنامهٔ آزاد.

۶. ژورژف استالین؛ از انقلابیون بُلشویک و رهبر اتحاد شوروی بود، در ۲۱ دسامبر ۱۸۷۹ م، در شهر گوری در گرجستان به دنیا آمد و در ۵ مارچ ۱۹۵۳ م، در مسکو درگذشت. نگاه: ویکی‌گفتاورد.

۷. عراق؛ کشوری است که در شرق میانه موقعیت دارد، پایتخت آن شهر «بغداد» است، مساحت آن ۴۳۷۰۷۲ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰ م، ۳۱۴۶۷۰۰۰ نفر تخمین شده است، واحد پول آن «دینار» و زبان رسمی آن عربی و کردی می‌باشد، دین اکثریت مردم عراق اسلام است. نگاه: ویکی‌پدیا، دانشنامهٔ آزاد.

کشورهای آسیایی و آفریقایی به صورت مستقیم و یا توسط

۸. عَدَن؛ یکی از جنوبی‌ترین شهرهای کشور یمن است. نگاه: ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد.

۹. مصر؛ کشوری است که در شمال شرق قاره آفریقا موقعیت دارد، مصر یکی از پرجمعیت‌ترین کشورهای آفریقایی و خاورمیانه‌است، آثار باستانی متعدد موجود در این کشور که مهم‌ترین آن‌ها اهرام سه گانه‌است، گردشگران زیادی را جذب این کشور می‌کند، مصر در سال ۱۹۵۲ م، با کودتای بدون خون‌ریزی افسران آزاد ارتش علیه «ملک فاروق» صاحب حکومت جمهوری شد؛ اما دیری نگذشت که «جمال ناصر» علیه نخستین رئیس‌جمهور مصر «محمد نجیب» کودتا کرد و او را به زندان انداخت و خود را رئیس‌جمهور مصر اعلام کرد و پس از او «سادات» و پس از ترور سادات «مبارک» به قدرت رسید؛ اما انقلاب سال ۲۰۱۱ م، مصر به حکومت سی‌ساله حسنی مبارک در این کشور پایان داد و قانون اساسی جدیدی در این کشور تدوین شد و در پی انتخابات ریاست جمهوری مصر، در ۱۷ جون ۲۰۱۲ م، «دکتور محمد مرسی» به عنوان نخستین رئیس‌جمهور منتخب مصر انتخاب شد، در جون ۲۰۱۳ م، مخالفان او در سالگرد تحلیف دکتور محمد مرسی علیه حکومت مشروع و قانونی او کودتا کردند، در ۳ جون ۲۰۱۳ م، در نتیجه کودتای ارتش، دکتور محمد مرسی از قدرت برکنار شد، این عمل ارتش باعث شد که ملت مصر به جاده‌ها بریزند و علیه حکومت کودتا به تظاهرات میلیونی خویش ادامه دهند و میدان رابعه والنهضة و تمام نقاط حسّاس در مصر، میدان اعتراض‌های میلیونی گردید و سرانجام پس از به شهادت رساندن و اسیرشدن هزاران انسان بی‌گناه، السیسی در پی یک طرح کودتایی دیگری به نام انتخابات که بیشتر از ۸۰ درصد مردم مصر آن را مقاطعه کردند، خود را رئیس‌جمهور مُعرّفی کرد، مصر از دیدگاه سیاسی و فرهنگی، یکی از مهم‌ترین کشورها در جهان عرب و خاورمیانه‌است. نگاه: کنت رئیس‌المصر، از محمد نجیب و ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد.

۱۰. جمهوری عربی سوریه؛ کشوری است که در جنوب غرب آسیا و در کنار سواحل شرقی دریای مدیترانه موقعیت دارد، این کشور از شمال با ترکیه، از شرق با عراق، از غرب با لبنان و دریای مدیترانه و از جنوب با اردن و اسرائیل همسایه‌است، مساحت آن ۱۸۵۱۸۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۳ م، ۲۱۹۹۸۰۰۰ نفر تخمین شده‌است و اکثریت مردم سوریه پیرو دین مقدّس اسلام است، پایتخت آن شهر «دِمَشق» و زبان رسمی آن عربی و واحد پول آن «لیره سوریه» است. نگاه: ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد.

اجیران و مزدورانِ خویش می‌کشتند.

تروریست‌های کمبودیای که همراه با «پول‌پوت»^{۱۱} دو میلیون انسانِ محروم را در «کمبودیا»^{۱۲} کشتند، بعد از اینکه سردسته‌تروریستی خود را به اشاره «کِرملین»^{۱۳} و همکاری «ویتنام»^{۱۴} از صحنه راندند، هیاهویی را به راه

۱۱. سیاست‌مدار کمبودیایی است که جنبش خِمرِ سرخ به رهبری او از ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹م، بر کمبودیا و کامبُوج حکم راند، پول‌پوت که نام کامل وی «سولات‌سار» می‌باشد، یک‌مائوئیست بود، در سال ۱۹۷۵م، با یک‌کودتا علیه سینگهام پادشاه این کشور قدرت را به‌دست گرفت و در مدت ۴ سال حکومت خود، خِمرهای سرخ دو میلیون نفر از جمعیتِ هشت‌میلیون نفری کامبوج را در کشت‌زارهای مرگ در گودال‌هایی که در زمین حفر کرده بودند، به رگبار بسته و سپس همان‌جا به خاک می‌سپاردند، سرنگونی خمرهای سرخ در سال ۱۹۷۹م، با حمله ارتش ویتنام انجام گرفت، ضرب‌المثل معروف خود پل‌پوت (نگهداری تو هیچ‌نفعی ندارد، نابودی تو - نیز - هیچ‌ضرری ندارد). در ۱۵ اپریل ۱۹۹۸م، در اثر سکنه قلبی در «آن‌لونگ‌ونگ» کامبوج از بین رفت. نگاه: ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد.

۱۲. کمبودیا یا کامبُوج؛ کشوری است که در جنوب شرقی آسیا موقعیت دارد، پایتخت آن «پُئوم‌پِن» است، جمعیت آن در سال ۲۰۰۸م، ۱۳۳۹۵۶۸۲ نفر تخمین شده‌است و مساحت آن ۱۸۱۰۰۰ کیلومتر مربع و زبان رسمی آن خِمر است، واحد پول آن «ریل» است، ۹۰ درصد از مردم آن از تبار خمر، ۵ درصد ویتنامی تبار و بقیه از اقوام مختلف‌اند. نگاه: ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد.

۱۳. کاخ کِرملین مَسْکُو؛ یک‌قلعه تاریخی است که به‌صورت مجتمع در قلب شهر مَسْکُو ساخته شده، نام مشهور این کاخ، کِرملین است - که به‌زبان روسی به‌معنای دژ می‌باشد - این کاخ از چهار قصر، چهار کلیسا و دیوار کِرملین به همراه برج‌های کِرملین تشکیل یافته‌است، از این کاخ به‌منظور اسکان رئیس‌جمهور روسیه استفاده می‌شود. نگاه: ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد.

۱۴. جمهوری سوسیالیستی ویتنام؛ کشوری است که در قسمت شرقی شبه جزیره هند و چین در منطقه جنوب شرقی آسیا واقع شده‌است، مساحت آن ۳۳۰۳۶۳ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۸۶۹۳۰۰۰۰ نفر تخمین شده‌است، پایتخت آن شهر «هانوی» است، زبان رسمی آن ویتنامی و واحد

انداختند که بیاید جنایاتِ پول‌پوت را مشاهده کنید که با مردم کمبودیا چه کرده‌است:

این ماجرا در حال به‌میان می‌آید که سلسلهٔ قتلِ عام مردم ستم‌دیدهٔ کمبودیا متوقف نبوده و هرروز هزاران انسان بیچاره به‌دست‌شان کشته می‌شود.

امینِ غدار - هم که حلقهٔ زنجیری از این نوکران جنایت‌کار است - بعد از اینکه همراه با تره‌کی ده‌ها هزار فرزند مؤمن و اصیل افغان را کشت و سلسلهٔ کشتارهای جنایت‌بارش هنوز به‌شدت ادامه دارد، این هیاهو را به راه انداخته که بیاید دروازهٔ «دهم‌زنگ»^{۱۵} را به‌روی‌تان باز می‌کنم؛ تا جنایاتِ عهد سابق را تماشا کنید.

ای هزاران تُف و نفرین بر کمونیزم و بی‌شرمی پیروانِ کثیفِ این مکتبِ ننگین و جنایت‌پرور و رهنانِ

پول آن «دونگ» می‌باشد. نگاه: ویکی‌پدیا، دانشنامهٔ آزاد.
 ۱۵. منظور استاد شهید رحمۃ اللہ علیہ؛ زندان سیاسی دهم‌زنگ است که در دورهٔ صدارت محمد هاشم اعمار گردیده بود که از بیرون شکل قلعهٔ نظامی را داشت؛ اما در داخل از حجره‌های کثیف و دخمه‌های تاریک و متعفن تشکیل یافته بود که از زندانیان سیاسی مملو و آکنده بود، این محبوسین که اکثر ایشان از فاضلان و روشنفکران مسلمان کشور بودند، مدت حبس معین نداشتند؛ زیرا نه جرم‌شان ثابت بود و نه جزای‌شان معلوم، خود آن‌ها ظریفانه خود را به دو دسته با عناوین «باز» و «باشه» تقسیم می‌کردند، باز آنانی بودند که گفته می‌شد، باز یک‌بار به کارشان رسیدگی می‌شود و باشه کسانی که شاه یا صدراعظم گفته بود «باشه»؛ یعنی تا زنده‌است در زندان بماند؛ اما در عمل، هر دو گروه در حکم زندانی ابدی بودند؛ زیرا هیچ‌کس به فکر رها ساختن ایشان نبود. جهت معلومات بیشتر نگاه شود: کتاب «افغانستان در پنج‌قرن اخیر»، از میر محمد صدیق فرهنگ، جلد اول و دوم، ص: ۷۱۳ - ۷۱۴.

آدم‌کشِ آن؛ چون در دوران چپاول‌گری یکدیگر خود را می‌کشتند، همه جنایت‌ها را به‌دوش یارِ مردارشدۀ خود می‌چسبانند.

افغانستان محکوم، امروز به‌دست چنگیزیان عصر حاضر، به مسلخ انسانی تبدیل شده‌است، نه‌تنها ده‌ها هزار دانشمند و مفکر، رهبران مذهبی و جوانان ارجمند در زندان‌ها کشته شده‌اند؛ بلکه در هر کجا بر فراز کوه‌های غرورآفرین، در میان صخره‌های حادثه‌خیز، در میان کوخ‌های رنج‌آشنا و کلبه‌های مُحَقَّر، روزی نیست که صدها دهقان‌محروم و کارگر جفا‌دیده، کودکِ معصوم، پیرانِ بی‌دفاع، زنان شرافتمندِ افغان، توسطِ بمباردُمانِ طیاره‌های روسی و بارانِ گلوله‌های راکت، تانک‌ها و توپ‌های افسرانِ آن کشور، به خاک و خون نغلتند؛ اما کجاست سازمان ملل متحد؟^{۱۶} کجاست ضمیرِ زندهٔ انسانی؟ کجاست مؤسّساتِ حقوقِ انسان که بیست‌میلیون افغان بی‌دفاع به جُرْمِ مسلمان‌بودن و آزادزیستن، در معرضِ تصفیۀ آشکار قرار گرفته؛ اما کسی نیست که آوازِ احتجاج را بلند کند، چند

۱۶. سازمان ملل متحد؛ سازمان بین‌المللی است که در ۱۹۴۵ م، تأسیس و جایگزین جامعهٔ ملل شد، این سازمان، توسط ۵۱ کشور تأسیس و در سال ۲۰۱۱ م، ۱۹۳ کشور عضو داشته‌است، اعضای آن تقریباً شامل همه کشورهای مستقلی می‌شود که از نظر بین‌المللی به رسمیت شناخته شده‌اند، مقرِ سازمان ملل متحد در نیویارک است و کشورهای عضو و مؤسّساتِ وابسته در طول هر سال با تشکیل جلساتِ مُنَظَّم در مورد امور بین‌المللی و امور اجرایی مربوط به آن‌ها تصمیم‌گیری می‌کنند، سازمان ملل در پایان جنگ جهانی دوّم از سوی کشورهای پیروز در آن جنگ، شکل گرفت و سازمان و روال حاکم بر فعالیت آن نشان از شرایط جهانی بعد از جنگ دوّم دارد. نگاه: ویکی‌پدیا، دانشنامهٔ آزاد.

جاسوس امریکایی در سفارتخانه «امریکا»^{۱۷} در «تهران»^{۱۸} برای چند روز تحت مراقبت گرفته می‌شود، هیاهویی در جهان بالا می‌شود، شرق و غرب به دفاع بر می‌خیزد، چند نفر جنایت کار و آدم‌گشان حرفوی «ساواک»^{۱۹} در جمهوری اسلامی ایران، بعد از مُحاكَمه عادلانه، محکوم به اعدام می‌گردند، فریاد احتجاج در هر جا بلند می‌شود و انقلاب زنجیرشکن «ایران»^{۲۰} را محکوم می‌کنند؛ اما محصول سیزده

۱۷. ایالات متحده آمریکا؛ کشوری است که در امریکای شمالی موقعیت دارد، پایتخت آن شهر واشنگتن دی‌سی است، امریکا سومین کشور پرجمعیت دنیا و سومین کشور پهناور جهان است و از لحاظ نژادی متنوع‌ترین کشور جهان شناخته می‌شود، مساحت آن ۹۸۲۶۶۷۵ کیلومترمربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۳ م، ۳۱۶۴۳۵۰۰۰ نفر می‌باشد، زبان رسمی ندارد و زبان ملی آن انگلیسی است، واحد پول آن دالر امریکایی می‌باشد، در ایالات متحده آمریکا بر اساس متمم اول قانون اساسی، هیچ‌دینی به‌طور رسمی وجود ندارد؛ اما همین متمم - نیز - آزادی تمام ادیان را تضمین کرده است. نگاه: ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد.

۱۸. تهران؛ بزرگ‌ترین شهر و پایتخت جمهوری اسلامی ایران است، این شهر در شمال کشور ایران و جنوب دامنه رشته کوه «البرز» واقع شده است، مساحت آن ۳۷۷ تا ۶۰۳ کیلومترمربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۲ م، ۸۲۴۴۵۳۵ نفر تخمین شده است. نگاه: ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد.

۱۹. سازمان امنیت و اطلاعات معمولاً به اختصار ساواک خوانده می‌شود، از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۷ هـ ش، سازمان اصلی پلیس امنیتی و اطلاعاتی ایران در زمان سلطنت محمد رضا شاه پهلوی بود که قدرت و اختیارات بسیاری در توقیف و بازجویی افراد داشت، این سازمان به‌ویژه در سال‌های دهه ۱۳۵۰ هـ ش، و قبل از پیروزی انقلاب ۱۳۵۷ هـ ش، و سرنگونی حکومت سلطنتی، «نفرت‌انگیزترین و مخوف‌ترین» نهاد حکومتی در بین مردم به‌شمار می‌آمد، مقر سابق ساواک در خیابان خواجه عبدالله در تهران قرار داشت. نگاه: ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد.

۲۰. جمهوری اسلامی ایران؛ کشوری است که در جنوب غربی قاره آسیا و در منطقه خاورمیانه قرار دارد، مساحت آن در حدود ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومترمربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۳ م، ۷۸۳۸۹۱۳۰ نفر تخمین شده است، پایتخت آن

ساله پوهنتون‌های افغانستان و دوازده هزار تن از استادان و محصلان به یک چشم‌زدن، توسط جَلّادان کمونیست کشته می‌شوند و داستان قتل آن‌ها توسط خودِ رژیم به گوش جهانیان رسانیده می‌شود؛ اما آواز احتجاجی در هیچ گوشه‌ای شنیده نمی‌شود و آن‌گاه که چند کودک یتیم و زن بی‌دفاع در اطراف وزارت‌داخله و اوایل‌کنان به‌خاطر پدران و همسران کشته‌شده‌شان راه‌پیمایی می‌کنند، به‌زور برچه و مسلسل به‌خاک و خون می‌افتند، بازهم جهان مُهر سکوت را بر لب نهاده‌است.

خیر؛ سپاهیان انقلاب اسلامی افغانستان، سرفروشانِ دلیر «جمعیت اسلامی افغانستان» که در رگ‌رگ‌شان خون غیرت و ایمان می‌خروشد، جنایت‌کاران را مُعاف نخواهند کرد و انتقام مَلّت مُسْتَضْعَفِ خود را از نوکران استعمار خواهد گرفت، بگذار که جهان خاموش باشد، سپاهیان سربه‌کفِ رستاخیز اسلامی در افغانستان - که در سنگر دفاع از حریم مُقدّسات دینی و مردم مُسْتَضْعَفِ کشور خویش متعهدانه می‌رزمند - به دارودسته خلقِ اِخطار می‌دهند که خون پاک شهیدان ارجمند کشور، هرگز به هدر نخواهد رفت.

اگر انقلاب اسلامی تنها در زندان، دوازده هزار شهید داده، میلیون‌ها تن دیگر از پاسداران انقلاب، در سنگر نشسته و تا پیروزی انقلاب و برچیدنِ بَساطِ کفر و الحاد متعهدانه

می‌رزمنند.

﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾^{۲۱}

۲۱. احزاب / ۲۳. (در میان مؤمنان مردانی‌اند که با الله راست بوده‌اند در پیمانی که با او بسته‌اند، برخی پیمان خود را به سر برده‌اند [و شربت شهادت سرکشیده‌اند] و برخی - نیز - در انتظارند، آنان هیچ‌گونه تغییر و تبدیلی را به عهد و پیمان خود راه نداده‌اند.)

پیام به مردم مسلمان افغانستان

مسلمانانِ غیرتمند و شجاع افغانستان! مجاهدین و رزمندگان
راه حق! برادران و خواهران عزیز!

امروز وطن عزیز ما و مردم مسلمان کشور ما، در
یک وضع نهایت رقت‌بار و حالت اسفناکی قرار دارد، در
وطن عزیز ما - که سالیان متمادی نعره «الله اکبر»^{۲۲} در فضای
آن طنین‌انداز بود - امروز صدای کفر در اینجا بلند است،
همه روزه صدها و هزارها انسان، فقط به‌خاطر اینکه
مسلمان‌اند و نماز می‌خوانند، به قتل می‌رسند، صدها زن و
مرد و حتی اطفال خردسال معصوم، به جُرْمِ اینکه به دین
مقدس اسلام پایبند و معتقدند، اسیر و زندانی‌اند، در
فجیع‌ترین و بدترین دُشواری‌ها و شرایط ناگوار غیرانسانی،
به‌سر می‌برند، تعذیب و شکنجه می‌شوند، ناخن‌های‌شان
کشیده می‌شود، انواع تعذیب‌های طاقت‌فرسا، بالای‌شان

۲۲. الله از همه بزرگ‌تر است.

عملی می‌گردد.

یک‌مشت عناصرِ نامسلمانِ وطن‌فروش، اجیر و مزدورِ بیگانه و یک‌عده درنده‌خویانِ آدم‌نما - که حتی درنده‌ترین حیوان، فاقد این پست‌فطرتی است - بر سرنوشت ما و کشورمان تسلط یافته‌اند، این مشتِ فرومایه و چاکرمنشِ وابسته به روس، هرگز به‌شما ملّت مسلمان، مربوط و وابسته نیستند، این‌ها دین ندارند، مسلمان نیستند، این‌ها در اصل آن گدی‌های کودکانه‌ای‌اند که مَلْعَبَه و بازیچه دست روس‌ها قرار گرفته‌اند، کشور شما، دارایی و ثروت‌های ملی شما، خلاصه هرآنچه که در کشورمان پیدا می‌شود، همه را، به روس‌ها تسلیم کرده‌اند، این‌ها فرزندانِ صادق و غلامانِ حلقه‌به‌گوشِ روس‌هایند، این‌ها حتی پیاله چایی را بدون اراده روس‌ها نمی‌نوشند، شما ملّت مظلوم و ستم‌کشیده، در ظرف این چند ماهی که گذشت، عملاً همه چیز را مشاهده کردید، در کفر این‌ها، در فرومایگی و پست‌فطرتی این‌ها، در وطن‌فروشی و جنایت‌کاری‌های این‌ها، هیچ‌تردیدی نزد شما مردم مسلمان، باقی نمانده‌است، جان شما ملّت مظلوم، از دست این روس‌مآب‌ها در خطر است و این را عملاً دیدیم که مال، ناموس، حیثیت و آزادی شما ملّت محروم، در معرض خطر و سقوط قرار گرفته‌است، شما ملّتی که در طول اعصار و قرون متمادی به آزادمنشی، شجاعت و رادردی، زبانزد جهانیان بودید و شما ملّتی که «استعمار»^{۲۳} غول‌پیکرِ کُهن، از شنیدن نام‌تان، از یادآوری

۲۳. استعمار یا استعمارگری؛ در لغت به معنای آبادانی خواستن است؛ اما معنای دیگر آن که امروزه به کار می‌رود، تسلط سیاسی، نظامی، اقتصادی و یا فرهنگی ملّت قدرتمند بر یک قوم یا ملّت ضعیف است، مفهوم استعمار امروز با

دلاوری و پیکارجویی و رزمندگی تان، به خود می‌لرزید، امروز بقایایی همان استعمار با درنده‌خویی بیشتر، با حیل و نیرنگ و دسیسه، می‌خواهد، روح آزادمنشی و صدای آزادی‌خواهی شما را در گلو خفه سازد.

شما را دست‌وپا بسته به روس تسلیم می‌کند، جنایات، آدم‌کشی‌ها، تجاوز به جان و مال مردم، توهین و تحقیر به مُقدَّساتِ دینی، حبس و شکنجهٔ علمای دینی و پیشوایان و دانشمندان گرامی ما، از نظر هیچ‌کس پوشیده نیست، صدها دلیل عملی و عینی وجود دارد که ثابت می‌سازد، این‌ها کافران و پیروان شیطان‌اند، این عُمال استعمار و «امپریالیزم»^{۲۴} مساجد مسلمان‌ها را تخریب کردند

مفهوم امپریالیزم پیوستگی کامل یافته و استعمار اساساً عمل قدرت امپریالیستی شناخته می‌شود و ناگفته نماند که قرآن کریم دو خاصیت را برای آن برمی‌شمارد. ۱- ﴿إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا﴾ (هنگامی که وارد منطقهٔ آبادی می‌شوند، آن را به تباهی و ویرانی می‌کشاند). ۲- ﴿وَجَعَلُوا أَعْرَآهْلَهَا أَذًى﴾ (و عزیزان اهل آنجا را خوار و پست می‌گردانند). اما تاریخ مفهوم جدید آن، از قرن‌های شانزدهم و هفدهم آغاز می‌شود، در کل، تاریخ استعمار را از دورهٔ باستان تاکنون می‌توان به چهار دوره بخش کرد: ۱- دورهٔ باستان؛ ۲- دورهٔ استعمار جهانی؛ ۳- قرن‌های نوزدهم و بیستم؛ ۴- دورهٔ استعمار نو. نگاه: نگرش‌هایی در اسلام، امام شهید حسن البنا و دانشنامهٔ سیاسی، داریوش آشوری، ص: ۲۶-۳۰.

۲۴. امپریالیزم؛ در لغت از ریشهٔ امپراتوری مشتق شده‌است؛ یعنی تشکیل امپراتوری دادن و در معنای وسیع، هر نوع گسترش، توسعهٔ ارضی و سلطهٔ قوی بر ضعیف را در بر می‌گیرد. این نوع امپریالیزم در طول تاریخ همیشه وجود داشته‌است، مانند: امپراتوری‌های ایران، روم، ترکیهٔ عثمانی و.. در اصطلاح، امپریالیزم یک مفهوم جدیدتر را - نیز - شامل می‌شود و آن گسترش‌گرایی کشورهای پیشرفتهٔ اروپایی در بقیهٔ جهان در ۵۰۰ سال اخیر است، این نوع گسترش و توسعه، از نزدیک به‌زایش و بلوغ سرمایه‌داری نسبت داده شده‌است، به این معنا که تَطَوُّر سرمایه‌داری و تحولات تکنولوژیک و نیازهای

و در مکاتب به فرزندان و اولاد شما مردم، درس بی‌دینی و بی‌خدایی می‌دهند، مردم آزادانه نمی‌توانند نماز بخوانند، اگر نماز بخوانند و به مسجد بروند، زندانی می‌شوند و تحت شکنجه قرار می‌گیرند، علما احکام دین را به مردم تبلیغ کرده نمی‌توانند، اگر تبلیغ کردند، جاسوس انگلیس و نماینده امپریالیزم خوانده می‌شوند، در مکاتب و قشله‌های عسکری نماز خواندن و روزه گرفتن، گناه نابخشودنی پنداشته می‌شود و انواع فحشا را در بین مردم رایج می‌سازند، این‌ها همه دلایل عملی است که فرد فرد ملت مسلمان افغان، عملاً آن را مشاهده کرده‌اند، افغانستان کشور عزیز ما، به یک ایالت «شوروی»^{۲۵} تبدیل شده‌است، رهبری و قدرت نظامی و

ناشی از پویایی و ضرورت درونی این شیوه تولید (نیاز به انباشت) گسترش ارضی و سلطه به سرزمین‌های دیگر را باعث شده‌است، قابل ذکر است که جوهر امپریالیزم بهره‌کشی و استثمار ملت‌ها و سرزمین‌های دیگر است. نگاه: سایت پرسومان.

۲۵. اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی؛ کشوری بود مُشکل از روسیه و چندین جمهوری متحد که از زمان تأسیس در ۱۹۲۲ م؛ تا زمان انحلال در ۱۹۹۱ م، بخش بزرگی از شرق اروپا و شمال آسیا را در بر می‌گرفت و پهناورترین کشور جهان شناخته می‌شد، در دهه ۱۹۸۰ م، آثار فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی ظاهر شد و بالاخره در ۱۹۹۱ م، این کشور رسماً منحل شد و به چند کشور دیگر تجزیه شد، کشورهای تشکیل‌دهنده شوروی پیشین با حفظ استقلال خود در جامعه کشورهای مشترک‌المنافع عضو شدند و اکثر مؤرخین دلیل فروپاشی اتحاد شوروی را، تجاوز آن به افغانستان می‌دانند که باعث شد این کشور در سطح جهانی به شکست نظامی، اقتصادی و اجتماعی مواجه شود، پایتخت شوروی شهر مسکو بوده و مساحت آن در ۱۹۹۱ م، ۲۲۴۰۲۲۰۰ کیلومترمربع بود و جمعیت آن قرار احصایه ۱۹۹۱ م، ۲۹۳۰۴۷۵۷۱ نفر تخمین شده‌است، زبان رسمی آن روسی و واحد پول آن «روبل» می‌باشد. نگاه: جنگ افغانستان و شوروی عامل فروپاشی جهانی کمونیزم، شهید عبدالعلی دانشیار و ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد.

سیاسی کشور ما به دست روس‌هاست و هزاران تن از ملت مسلمان ما، توسط روس‌ها به شهادت می‌رسند، این حیوان‌صفتان آن قدر بی‌شرمانه دیده‌درایی می‌کنند که وحشی‌گری‌ها، کشتارها و مظالم و غارت‌گری‌هایشان را، بشردوستی، صلح‌خواهی و عدالت‌پسندی می‌نامند، این را می‌گویند: شیطنت‌مآبی و حیوان‌منشی.

برادران و خواهران مسلمان!

مردمان آزاده و غیرتمند، هیچ‌گاه در برابر آواز کفر و ظلم، مَهر سکوت و خاموشی بر لب ننهاده‌اند، خاموش‌نشستن و زیر بار ظلم و تجاوز رفتن، در قاموس انسان‌های آزاد و مسلمان‌های راستین وجود ندارد، مسلمان واقعی و بندگان راستین خدا آنانی‌اند که چون بینند، دست تجاوز و ستم به‌سوی‌شان دراز می‌شود، وقتی متوجّه شوند که اجانب و ایادی مزدور شیطان‌صفتِ آن‌ها، حیثیت، شرافت و بالآخره آزادی و استقلال‌شان را تهدید می‌کند، شمشیر جهاد و پیکار را برای قطع کردن این دست‌های کثیف و سیاه از نیام بیرون می‌آورند.

آری، مسلمان باید جهاد کند؛ تا زنده بماند، پیکار و مُبارزه کند؛ تا شرافت و ناموسش حفظ شود، باید سلاح بردارد و در برابر کفر، استعمار و امپریالیزم قیام کند و بجنگد؛ تا آزادی و استقلالش پایدار باشد، مرگ با آبرو به مراتب بهتر و بالاتر از زندگانی‌ای است که در ذلت و خواری سپری گردد، ملّتی که از مسیر اصلی زندگی که بر شالودهٔ پیکار و جهاد در راه عقیده و دین استوار است، منحرف شود، حتماً مرگ به سراغش می‌آید، اگر ملّت مسلمان، اصالت فطری و اسلامی و انسانی خود را زیر

پا گذارد، از اصول و دساتیر زندگی ساز اسلام کناره گیرد، به قانون خدا ﷻ چنگ نزند، جهاد و مبارزه را ترک گوید و فراموش کند، سرنوشتش به دست طاغوت می افتد و وقتی سرنوشتش به دست طاغوت افتاد، آن حیثیت و مقامی را که در سایه اسلام کمایی کرده، از دست می دهد و در ظُلُماتِ پرستش و قبول بندگی غیر خدا، به جایی می رسد که حیوان از قرار گرفتن در آن حالت ننگ دارد.

﴿أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ...﴾^{۲۶}

برادران و خواهران من!

همه چیز ما، در معرض سقوط و انهدام است، این مزدوران حلقه به گوش امپریالیزم روس، همه چیز ما را در لبه پرتگاه نابودی قرار داده اند، دین مقدس اسلام را، اصالت انسانی و مردمی ما را، آزادی و استقلال ما را و بالاخره زندگی و انسانیت ما را، ما برای نجات از این بدبختی، برای رهایی و نجات از زیر بار ظلم و طاغوت و برای از هم گسستن زنجیرهای بردگی و غلامی شوروی که توسط عمال بی دین و منفورش - «تره کی»^{۲۷} و شیاطین دیگرش - بر دست و پای

۲۶. بخشی از آیه ۱۷۹ سوره مبارکه اعراف است که می فرماید: ﴿وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ أُذُنٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ﴾ (ما بسیاری از جنیان و آدمیان را آفریده و پراکنده کرده ایم که سرانجام آنان دوزخ و اقامت در آن است، آنان دل هایی دارند که بدان ها نمی فهمند و چشم هایی دارند که بدان ها نمی بینند و گوش هایی دارند که بدان ها نمی شنوند، اینان همسان چهارپایانند و بلکه سرگشته ترند، اینان واقعاً بی خبرند).

۲۷. تره کی فرزند نظر محمد در سال ۱۲۹۶ هجری، در شهرستان ناوه استان غزنی به دنیا آمد، بعد از به پایان رساندن دوره ابتدایی مکتب، در یک شرکت تجاری شامل کار شد و از آن طریق به هند رفت، او در چندین شرکت تجارتی کار کرد؛ اما به علت خیانت در وظیفه از کار برکنار شد و مدتی

ملت ما بسته است، یک راه را می بینیم، آری! فقط یک راه وجود دارد که ما اگر بخواهیم آزاد باشیم و مسلمان زندگی کنیم، باید با مال و جان در برابر کفر قیام کنیم، باید جهاد کنیم، باید بکشیم و کشته شویم، این شیوه مسلمانان راستین است:

﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ

به حیث اتشه مطبوعاتی افغانستان در واشنگتن مقرر گردید، به دلیل اینکه سخنان غیرمسئولانه زد، دوباره به افغانستان خواسته شد و در افغانستان دارالترجمه را تأسیس کرد که پول آن را روس می پرداخت، آغاز ارتباط تره کی با «K.G.B» را از همین نقطه دانسته اند؛ اما در سال ۱۹۶۵ م، که از جانب روس ها به عنوان سرمنشی حزب دموکراتیک خلق منصوب گردید، نام او ظاهراً از لست جاسوسان «K.G.B» خارج ساخته شد؛ اما تره کی هنوز هم به فعالیت های مخفیانه خود برای مسکو ادامه می داد و تخریب کاری هایی را هم انجام داد، تره کی در ۱۹۶۵ م، طی نشستی در خانه خود واقع کارته چار، با عده ای از هم فکرائش به تأسیس حزب نامیمون دموکراتیک خلق پرداخت، حزبی که بعد از به قدرت رسیدن، زندگی، خانه و کاشانه مردم مسلمان افغانستان را به تباهی کشانید، ارزش و موقعیت تره کی در میان بادرانش - نیز - مانند ارزش و موقعیت هرمزدوری دیگر، بسیار پایین و شرم آور بوده به حدی که مسئولین «K.G.B» از وی به عنوان «مادر کیک ها» یاد می کردند، تره کی و پیروانش با کودتای ۷ ثور سال ۱۳۵۷ هـ ش، به قتل و غارت و شکنجه مردم مسلمان افغانستان آغاز کردند و در نهایت وحشت و ظلم، مردم اصیل و آزاده افغانستان را تحت فشار و شکنجه قرار دادند و جلادان ماشه به دست آن، روز و شب از خانه ها، خیابان ها، مغازه ها، مکاتب، فاکولته ها و ادارات، مردم را جمع می کردند و ایشان را بدون کوچک ترین حجت و برهانی به مسلخ های پل چرخی، صدارت و وزارت داخله می بردند و از تعذیب و شکنجه و کشتارهای دسته جمعی آنان بر کیف و بدمستی خود می افزودند... سرانجام این مزدور تاریخ بعد از جنایات بی حد و حصر، در حق ملت مسلمان و مجاهد افغانستان، توسط شاگرد وفادارش امین به واسطه بالش خفه شده و به قتل رسانده شد. نگاه: سایت پیام آفتاب.

يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ... ﴿٢٨﴾

خداوند جان و مال مؤمنین را در بدل جنت خریده‌است، مؤمنین کسانی‌اند که در راه خدا جهاد می‌کنند، پس می‌کشند و کشته می‌شوند.

مسلمان مرگ را می‌پذیرد؛ ولی به هیچ‌صورت ذلت را نمی‌پذیرد.

پس برادران من، مسلمانان مبارز و راستین! قیام کنید، در راه خدا ﷻ جهاد کنید، نصرت خداوند ﷻ حتمی است:

﴿إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ...﴾ ﴿٢٩﴾

امروز از سر و روی کشورتان خون می‌بارد، وطن در انتظار است که شما فرزندان صادق، او را از چنگال کفر و «کمونیسم»^{۳۰} نجات بدهید، قیام کنید و با نیروی ایمان به

۲۸. بخشی از آیه ۱۱۱ سوره مبارکه توبه است که می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَلَىٰ عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِالَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكُمْ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾

(بی‌گمان الله جان و مال مؤمنان را به‌بهشت خریداری می‌کند، در راه الله بجنگند و بکشند و کشته شوند، این وعده راستینی است که الله آن را در تورات، انجیل و قرآن داده‌است و چه کسی از الله به‌عهد خود وفاکننده‌تر است؟ پس با معامله‌ای که کرده‌اید شاد باشید و این پیروزی بزرگ و رستگاری سترگی است.)

۲۹. بخشی از آیه ۷ سوره مبارکه محمد است که می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾

(ای مؤمنان! اگر [دین و برنامه] الله را یاری رساندید، الله شما را یاری می‌کند و گام‌های‌تان را استوار و محکم می‌دارد.)

۳۰. کمونیسم؛ این اصطلاح از ریشه لاتینی «کمونیس» به‌معنای اشتراکی گرفته شده‌است، اصطلاح کومون یا جامعه اشتراکی نخستین‌بار در فرانسه، در سال

خدا جلّ و علاّ، با دشمن بجنگید، پیروزی شما حتمی است، از تبلیغات دشمن مه‌راسید، مسلمان از تبلیغات دشمن نمی‌ترسد، این‌ها زرق و برق شیطان است، متحد باشید، دسایس دشمنان اسلام را خنثی کنید، روس‌ها می‌خواهند در بین مسلمانان، به نام‌های رنگارنگی؛ چون: شیعه و سنی، هزاره و بلوچ و غیره شرانگیزی و تفرقه ایجاد کنند، این دسیسه‌ها را خنثی بسازید و به هیچ کس اجازه مدهید که در میان شما درز ایجاد کند، امروز همه مردم مسلمان افغانستان، در هرجایی که هستند، بدون تمییز رنگ و بو، متحدانه در یک صف فشرده، در برابر دشمن می‌جنگند، مسلمان‌ها همه ملت واحدند، وحدت کلمه را حفظ کنید، برای تره‌کی و دارودسته کافرش، دیگر هیچ‌راهی برای نجات باقی نمانده است، او می‌داند که اندک‌ترین جایگاهی در بین ملت ندارد، او همه نیرنگ‌ها را به خاطر اغوا و فریب شما ملت به کار بُرد، از تهدید و زندانی کردن و اعدام‌ها و کشتارهای دسته‌جمعی گرفته؛ تا بلند کردن زوزه‌های فریبنده دیگر، از

۱۸۳۹ م، به کار رفت، به قول طرف‌داران این اصطلاح گویی این نظام بدون طبقه است، کمونیزم شخصیت انسان را تابع اقتصاد و در چوکات محدودیت‌ها و قیودات خفقان‌آور اجتماعی محبوس می‌کند، هم‌چنان کمونیزم به انسان، حقوق و آزادی‌هایش از دریچه چشم اقتصاد نگریسته، «مالکیت اشتراکی» را نخستین پایه مستحکم نظام خود قرار داده، آزادی‌هایی را که حق طبیعی انسان‌هاست محدود و فشرده می‌سازد، خوش‌بینانه‌ترین قضاوت در مورد منطق کمونیزم این باشد که گرایش به این مکتب، به معنای تباهی گوهر انسانیت، اغفال و اغراء انسان از توجه به کنه حالت خودش، خودفراموشی و پایمال کردن شخصیت انسان در حد کالای کم از بازار است و - نیز - به معنای تنزل ارزش خون و آبروی آدمیت است. نگاه: دانشنامه سیاسی، داریوش آشوری، ص: ۲۶۱-۲۶۳ و مقاله‌ای، «ارزش خون در کمونیزم و اسلام»، شهید محمد کاظم شارق، میثاق خون، شماره سیزدهم، سال ۱۳۶۰ هـ. ش.

قیل صلح و دوستی و بشرنوازی؛ ولی هیچ کدام نتوانست
چهره کثیف و چرکینش را - که لگه‌ها و داغ‌های غلامی و
استعمارپرستی، در آن نمایان است- پنهان کند. اکنون
آخرین راه، آخرین حيله و نیرنگ را، دارد به کار می‌برد و
آن استفاده از همان فورمول کهنه و فرسوده و منفور قدیمی
بادارانش؛ یعنی «تفرقه بینداز و حکومت کن»^{۳۱} می‌باشد.
شما ملت، آگاه باشید! فریب دسایس این ابلیس‌صفتان را
مخورید، همه مسلمانان افغانستان باهم برادر واقعی‌اند، در
اسلام قطعاً مسئله هزاره و ازبک و غیره مطرح نیست. این
کارها و پلان‌های شوم استعمار است، فریب مخورید، بیدار
باشید. در برابر قهر ملت و خشم ملت، سنگرهای استعمار و
امپریالیزم حتماً درهم می‌شکنند. شما با دوستان شیطان و
پیروان کفر بجنگید؛ زیرا که خداوند جلّ و علا حکم می‌کند:

۳۱. در سیاست و جامعه‌شناسی، «تفرقه بینداز و حکومت کن» عبارت است، از
استراتژی جامع سیاسی، نظامی و اقتصادی‌ای برای به‌دست آوردن قدرت و
حفظ آن از راه شکستن یک قدرت متمرکز به قطعات کوچک‌تری که هریک
به‌تنهایی قدرت کم‌تری از اجراکننده این استراتژی دارند، ارکان این تکنیک
عبارت‌اند از:

- * ایجاد و تشویق تقسیمات بین «مادون‌ها» برای جلوگیری از ایجاد اتحادی که
حاکم مسلط و دارای قدرت عالی را به چالش بکشد؛
- * پشتیبانی و ترویج کسانی که علاقه به همیاری و همدستی با حاکم دارای
قدرت عالی دارند؛
- * پرورش بی‌اعتمادی، کینه، عداوت و خصومت، بین حکمرانان محلی؛
- * تشویق و تقویت هزینه‌های بی‌معنایی که توانایی مخارج نظامی و سیاسی را
کاهش دهد.

این سیاست، بارها توسط دولت بریتانیا بر علیه کشورهای مختلف اجرا
شده‌است؛ از جمله سودان، نیجریه و شبه قاره هند. نگاه: ویکی‌پدیا، دانشنامه
آزاد.

﴿فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ﴾^{۳۲}

و این هم کلام خدا جلّ جلاله است که می گوید:

﴿وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ..﴾^{۳۳}

ملت مسلمان! شما با کافران جهاد کنید؛ تا حاکمیت خدا جلّ جلاله به میان بیاید:

﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ..﴾^{۳۴}

فریب مکر و حيله و دسيسه شیطان را مخورید، مکر شیطان سست و ضعیف است، این کافران پیروان شیطان اند، این ها در راه شیطان می جنگند:

۳۲. بخشی از آیه ۱۲ سوره مبارکه توبه است که می فرماید: ﴿وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعْنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ﴾

(و اگر پیمان‌هایی را که بسته‌اند و مؤکد کرده‌اند، شکستند و دین شما را مورد طعن [تمسخر] قرار دادند با سردستانان کفر و ضلال بجنگید، چراکه پیمان‌های ایشان کم‌ترین ارزشی ندارد، شاید دست بردارند.)

۳۳. بخشی از آیه ۱۹۱ سوره مبارکه بقره است که می فرماید: ﴿وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ تَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تَقَاتِلُوهُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى يُقَاتِلُوكُمْ فِيهِ فَإِنْ قَاتَلُوكُمْ فَاقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ﴾

(و هر جا آنان را دریافتید، ایشان را بکشید و آنان را که شما را از آنجا بیرون کرده‌اند، بیرون سازید و فتنه از کشتن بدتر است و با آنان در کنار مسجدالحرام کارزار نکنید؛ مگر آن‌گاه که ایشان در آنجا با شما بستیزند، پس اگر با شما جنگیدند، ایشان را بکشید، سزای کافران چنین است.)

۳۴. بخشی از آیه ۳۹ سوره مبارکه انفال است که می فرماید: ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾

(و با آنان پیکار کنید؛ تا فتنه‌ای باقی نماند و دین خالصانه از آن الله گردد، پس اگر دست برداشتند، الله می بیند چیزهایی را که می کنند.)

﴿وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا﴾^{۳۵}
 پس برادران من!

شما با اتکا به نیروی ایمان و با اعتماد به وعده خدا جلّ جلاله با دشمن بجنگید، استعمار و مزدوران آن را از وطن تان برانید، این خاک مسلمانهاست، در اینجا باید قرآن حکومت کند، شما در راه خدا جلّ جلاله به خاطر کسب رضای او جهاد کنید! پیروزی از آن مسلمانان و مؤمنان است:

﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾^{۳۶}
 پیروز باد انقلاب عظیم اسلامی؛
 مرگ بر دشمنان دین، وطن و ناموس.

۳۵. بخشی از آیه ۷۶ سورة مبارکه نساء است که می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا﴾

(کسانی که ایمان آورده‌اند، در راه الله می‌جنگند و کسانی که کفر پیشه‌اند، در راه شیطان می‌جنگند، پس با یاران شیطان بجنگید، بی گمان نیرنگ شیطان همیشه ضعیف بوده است.)

۳۶. آل عمران / ۱۳۹. (و سست و غمگین مشوید و شما برتر [از دیگرانید] اگر به راستی مؤمن باشید.)

داستانِ حلّ سیاسی

اخيراً با آمدن و شد مکرر «گوردويز»^{۳۷} فرستاده ملل متحد، میان «اسلام آباد»^{۳۸} و کابل، باز آوازه حلّ سیاسی قضیه افغانستان بالا گرفته است و امید و بیم های تازه ای رونما گردیده، گفته می شود، هفتمین دور مذاکرات فیصله کن و سرنوشت ساز است، فرستاده ملل متحد مانند همیشه اظهار خوش بینی می کند و حرف های امیدبخش را اظهار می کند، در دوره ششم مذاکرات «ژنیو»^{۳۹} از جمله

۳۷. دیگو گوردويز؛ نماینده خاص سرمنشی سازمان ملل در امور افغانستان و مذاکره کننده در امور پاکستان و افغانستان بود، این مذاکرات از ۱۸۸۴ تا ۱۹۸۸م، دوام کرد، سرانجام در چهاردهم ماه فبروری ۱۹۸۸م، مجموعه اسناد و مدارک چهارگانه پیرامون صلح افغانستان در «ژنیو» به امضا رسید، وی نویسنده کتاب: پشت پرده افغانستان - نیز - می باشد. نگاه شود: ماوپاکستان، محمد اکرام اندیشمند و تحولات سیاسی جهاد افغانستان، دکتر شیر احمد نصری حق شناس.

۳۸. اسلام آباد؛ پایتخت جمهوری اسلامی پاکستان است که در شمال شرق این کشور موقعیت دارد، مساحت آن ۹۰۷ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۹۹۸م، ۸۰۵۰۰۰ نفر تخمین شده است. نگاه: ویکی پدیا، دانشنامه آزاد.

۳۹. ژنیو؛ دومین شهر پرجمعیت کشور سوئیس و مرکز ولایت ژنیو سوئیس است، در این شهر سازمان ها و نهادهای بین المللی و اروپایی زیادی قرار دارد، همچنین ژنیو دومین قطب اقتصادی کشور سوئیس است. نگاه: ویکی پدیا، دانشنامه آزاد.

چهار فقرهٔ اجندای مورد بحث، در موضوع چهارم؛ خروج قوای اشغالگر، جدال و اشکالی به میان آمد، عمّال روسیه در افغانستان و نمایندگان «ببرک»^{۴۰} از «پاکستان»^{۴۱} تقاضای

۴۰. ببرک کارمل؛ در سال ۱۳۰۸ هـ ش، در قریهٔ «آب کَمَری» کابل به دنیا آمد؛ اما از اصل و نسب او معلومات درستی در دست نیست؛ چون عده‌ای او را کاکر و عده‌ای هم او را کشمیری‌الاصل گفته‌اند، ببرک از آغاز جوانی به‌خاطر عقاید کمونیستی با مخالفت پدر و خانواده روبه‌رو شد، کارمل در جوانی شخص عیاش و بی‌بندوبار بود، او در سرآغاز جوانی پیرو اندیشهٔ الحادی کمونیزم شد و به نسبت بی‌بندوباری‌های اخلاقی و انتخاب اندیشهٔ کفری، از طرف «حسین خان» پدرش عاق شد، حسین خان پدر ببرک از او به‌عنوان شخص لجوج و بی‌بندوبار یاد کرده‌است، ببرک با وجود متأهل بودن، با «اناہیتا راتب‌زاد» همسر یکی از دوستانش روابط نامشروع داشت، او حدود سی سال قبل از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ هـ ش، به استخدام «K.G.B» درآمده بود، نام مستعار ببرک در «K.G.B» «مارید» بوده‌است، ببرک در سال ۱۳۴۶ هـ ش، حزب پرچم را تأسیس کرد و در راه توسعه و پخش اندیشه‌های مارکسیزم، لنینیزم تلاش‌های فراوانی انجام داد؛ تا اینکه در کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ هـ ش، بعد از تره‌کی به‌عنوان فرد قدرتمندی مطرح گردید؛ اما دیری نگذشت که به اساس اختلافات ذات‌البینی در حزب، تحت نام سفیر به‌خارج از کشور تبعید و از آنجا هم از وظیفه‌اش سبک‌دوش گردیده و به مسکو رفت؛ تا اینکه در سال ۱۳۵۸ هـ ش، به‌عنوان شاه‌شجاعی دیگر، توسط روس‌ها به‌قدرت رسانیده شد و تا سال ۱۳۶۵ هـ ش، روس‌ها نجیب را به‌عوض او برگزیدند. نگاه: اردو و سیاست، جنرال محمد نبی عظیمی، ص: ۳۲۱، تاریخ مسخ نمی‌شود، ص: ۴۶ و K.G.B در افغانستان، واسیلی متروخین.

۴۱. پاکستان؛ کشوری است که در جنوب‌غربی قارهٔ آسیا موقعیت دارد، پایتخت آن شهر «اسلام‌آباد» است، این کشور در جنوب، مرز آبی هزار کیلومتری با دریای عرب دارد و از غرب با ایران، از شمال با افغانستان، از شرق با هندوستان و از شمال‌شرق با جمهوری خلق چین هم‌مرز است، دین رسمی آن اسلام است و در میان کشورهای اسلامی، دومین کشور، از نظر تعداد مسلمانان محسوب می‌شود، این کشور در سال ۱۹۴۷ م، به‌عنوان یک‌دولت و کشور جدید از هند مستقل شد، مساحت آن ۸۰۳۹۴۰ کیلومترمربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۳ م، ۱۷۸۴۶۳۰۰۰ نفر تخمین شده‌است، زبان رسمی آن اردو، انگلیسی و واحد پول آن روپیهٔ پاکستان است. نگاه: ویکی‌پدیا، دانشنامهٔ آزاد.

مذاکرات مستقیم را کردند؛ اما دولت پاکستان این تقاضا را نپذیرفت، عمّال‌روسی مذاکرات را تحریم کردند و اِخطار دادند؛ تا آنکه پاکستان به مذاکره مستقیم تن درنهد، دیگر آماده مذاکره نیستند، از طرف دیگر فشارهای نظامی و سیاسی بر دولت پاکستان زیاد شد؛ اما سرانجام بعد از دیدوادیهای فرستاده ملل متحد، به مذاکره غیرمستقیم تن دادند و حرف خود را پس گرفتند، در اینجا باید پرسید: آخر پشت‌پرده و دروازه‌های بسته چه می‌گذرد؟ آیا می‌توان سرنوشت ملّتی را که در راه دفاع از مُعتقدات دینی و به‌خاطر استرداد آزادی کشورش یک‌میلیون شهید داده، بدون اطلاع و اخذ رأی و موافقه‌شان تعیین کرد؟

اکنون بر می‌گردیم به این مطلب که حلّ سیاسی از نظر روس‌های تجاوزگر چیست؟ منظورشان از عدم‌مداخله، مداخله کدام جهت است؟ چه در حال حاضر جز قشون اشغالگر روسی کس دیگری مداخله نکرده است و هدف‌شان از ضمانتِ بین‌المللی، تضمین برای کیست؟ و حلّ سیاسی برای مردم افغانستان چه مفهوم دارد؟ تاریخ گواه است که دجّالان خون‌آشام کرملین، ملّت‌هایی را که از راه جنگ نتوانسته‌اند در زنجیر غلامی خویش بکشانند، دام تزویر و توطئه را هموار کرده و آن‌ها را به اسارت کشانده‌اند، فاجعه دردناک مسلمانانِ «آسیای مرکزی»^{۴۲} شاهد این مدّعا است.

۴۲. آسیای میانه یا آسیای مرکزی؛ در میان دو رود آمو دریا و سیر دریا جای دارد، در منابع کهن تر عربی و فارسی «ماوراءالنهر» و در فارسی «قَرارود» گفته می‌شد، اگرچه مرزهای دقیقی برای این سرزمین تعریف نشده است؛ اما معمولاً کشورهای امروزی ازبکستان، تاجیکستان، ترکمنستان، قزاقستان، قرقیزستان و سرزمین‌های دیگری؛ چون افغانستان، شمال شرق ایران، مُغولستان، کشمیر،

هم‌چنان مردم «پولند»^{۴۳} را از راه شریک ساختن کمونیست‌ها در حکومت ملی‌گرایان از آزادی محروم ساختند، ملت «مغولستان»^{۴۴} - نیز - از راه همین نوع نیرنگ‌ها محکوم شد و مردم «فنلاند»^{۴۵} در اثر چنین بن‌بست‌های بین‌المللی و تزویر روس‌ها، از اراده آزاد و حق تعیین سرنوشت مستقل محروم گشتند، روس‌ها که با ده‌ها هزار تن از قشون تادندان مسلح خویش، به افغانستان حمله‌ور شدند و کشور ما را به حمام خون و «هیروشیمای»^{۴۶} زمان معاصر تبدیل کردند و با این

شمال و غرب پاکستان و گاه سین‌کیانگ در غرب چین و جنوب سایبریا در روسیه را - نیز - شامل آسیای میانه می‌دانند، آسیای میانه بعد از فروپاشی اتحاد شوروی سابق در ۱۹۹۱ م، کاملاً مستقل و آزاد شدند. نگاه: ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد.

۴۳. پولند یا لهستان؛ کشوری است که در اروپای شرقی موقعیت دارد، نام لهستان در فارسی افغانستان پولند است که از نام آن کشور در زبان‌های اروپایی گرفته شده و به معنای سرزمین قوم پولانی است، پایتخت آن شهر «ورشو» است، مساحت آن ۳۱۱۹۰۴ کیلومترمربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰ م، ۳۸۰۹۲۰۰۰ نفر تخمین شده است، زبان رسمی آن لهستانی و واحد پول آن «زلوتی» است. نگاه: ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد.

۴۴. مغولستان؛ کشوری است که در مرکز قاره آسیا موقعیت دارد، کشور مغولستان زادگاه و خاستگاه قوم مغول است، مساحت آن ۱۵۶۴۱۱۶ کیلومترمربع، جمعیت آن در سال ۲۰۱۳ م، ۲۸۹۷۶۰۰ نفر تخمین شده است، پایتخت آن شهر «اولان‌باتور» است، زبان رسمی آن مغولی و واحد پول آن توگروگ می‌باشد. نگاه: ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد.

۴۵. فنلاند؛ کشوری است که در شمال اروپا موقعیت دارد، پایتخت آن شهر «هلسینکی» است، مساحت آن ۳۳۸۱۴۵ کیلومترمربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۳ م، ۵۴۳۱۲۰۰ نفر تخمین شده است، زبان رسمی آن فنلاندی و سویدی است و واحد پول آن «یورو» می‌باشد. نگاه: ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد.

۴۶. بمباران اتمی هیروشیما و ناگاساکی؛ دو عملیات اتمی بودند که در زمان جنگ جهانی دوم به دستور «هری اس‌ترومن»، رئیس‌جمهور وقت امریکا، علیه امپراتوری جاپان انجام گرفتند، در این دو عملیات، دو بمب اتمی به فاصله ۳

وحشت و بی رحمی، می خواستند، ملت ما را برای همیشه در کام ارذهای کمونیزم سقوط داده، از افغانستان به حیث پایگاه تجاوز و کشورگشایی به سوی کشورهای دیگر یورش برند، راهِ مُقاومتِ جانبازان اسلام، در سرزمین خون و شهادت، مانع پیاده شدن آرمان شومِ تزاران^{۴۷} سرخ گشت.

اکنون که دیگر نشد، از راه قتل و غارت به اهدافِ ناپاکِ خود برسند، تصمیم دارند، از طریق به راه انداختنِ آوازهٔ آمادگی به حلّ سیاسی، ملت قهرمان ما را در حالت بی تصمیمی و انتظار قرار بدهند و در حلقه‌های مجاهدین و آوارگان، جدال و کشمکش را به نام طرفدارانِ مُقاومتِ مسلّح و هواخواهان حلّ سیاسی، گرم ساخته و فضای اختلافات جدیدی را مُهیّا سازند و در عین حال، فشار سیاسی جهانی را بر خود کم ساخته و در فضای آرام و بی دغدغه و تشویش برای نابودی مُقاومتِ جهادی ملت مؤمن

روز به روی شهرهای هیروشیما و ناگاساکی انداخته شد که باعث کشتار گستردهٔ شهروندان این دو شهر گردید، حدود ۲۲۰۰۰۰ نفر در اثر این دو بمباران اتمی جان باختند که بیشتر آنان را شهروندان غیرنظامی تشکیل می دادند، بیش از نیمی از قربانیان بلافاصله هنگام بمباران کشته شدند و بقیه تا پایان سال ۱۹۴۵ م، بر اثر اثراتِ مخرب تشعّعاتِ رادیواکتیو، جان خود را از دست دادند، بمباران هسته‌ای هیروشیما و ناگاساکی؛ تا به امروز تنها موارد استفادهٔ جنگی از سلاح هسته‌ای در جهان است. نگاه: ویکی پدیا، دانشنامهٔ آزاد.

۴۷. تزار؛ واژهٔ اسلاوی برای «پادشاه» است، این واژه از نام سزار گرفته شده بود، واپسین تزار روسیه، نیکلای دوّم بود که خود و خانواده‌اش در سال ۱۹۱۷ م، و در جریان انقلاب روسیه از تاج و تخت افتادند و سپس توسطِ بُلشویک‌ها اعدام شدند، تزارهای روس عبارت‌اند از: پتر کبیر، پتر دوّم، کاترین کبیر، پل، الکساندر اوّل، نیکلای اوّل، الکساندر دوّم، الکساندر سوّم، نیکلای دوّم. نگاه: روسیه تزاری، جیمزای، استریکلر، مترجم: مهدی حقیقت‌خواه، تهران: فقه‌نوس، ۱۳۸۱ هـ. ش.

ما، برنامه‌ریزی کنند و از طرفی هم، می‌خواهند برای حکومت مزدور خود، در شهر کابل که در نظر جهانیان شاهد زندهٔ جنایات روسیه‌است، شرایط اعتراف رسمی کشورها را فراهم سازد و به‌حیث یک حکومت شناخته‌شده و قانونی، در پهلوی سایر دولت‌ها جا زند؛ ولی اگر روس‌ها به‌راستی در حل سیاسی قضیهٔ افغانستان و پایان‌بخشیدن به این فاجعهٔ دردانگیز، مخلص و صادق باشند، چرا خود پاپیش نمی‌گذارند؛ تا مشکل را حل کنند؟ زیرا خود روس‌ها عامل این فاجعه‌اند و خودشان قدرت به حل مشکل دارند و برای چه ببرک را که هیچ‌کاره نیست پیش می‌کنند، آخر ببرک چه کاره‌است، همین روس‌ها که به افغانستان لشکرکشی می‌کردند، چه وقت از ببرک نظر خواستند که اکنون در مورد خروج قوای خویش موضوع را به او مربوط بسازند؟ او به هنگام تجاوز قوای اشغالگر روسی ارزشی بیش از این نداشت که مانند سازوبرگ نظامی و سگ‌های پولیس، در میان تانک‌ها و نفربری‌های نظامی انباشته شده و به کابل انتقال داده شد، او که دشمن مردم افغانستان است، کجا حق دارد از ملت ما نمایندگی کند! پس طرف قراردادن او به‌حیث یکی از اطراف ذی‌دخل در قضیه، مشکلی را حل نمی‌کند؛ بلکه مفهوم تجاوز بر حق حاکمیت و تعیین سرنوشت، توسط خود مردم افغانستان را می‌دهد و چرا روس‌ها، دولت میزبان آورگان و مهاجرین افغان را به‌حیث یک طرف قضیه قرار می‌دهند؟

در حالی که همهٔ کار دولت اسلامی پاکستان، در این نقطه خلاصه می‌گردد که مردم مظلوم افغانستان را - به حکم احساس انسان‌دوستی و اخوت اسلامی - پناه داده‌است و

مسئله حق تعیین سرنوشت ملت افغان، مربوط به خود مردم افغانستان است، دیگران در این موضوع حق ندارند، اینکه روس‌ها در موضوع عدم مداخله خارجی، ضمانت بین‌المللی می‌خواهند، این تضمین را برای چه کسی مطالبه دارند؟

آن‌ها که بر اساس حل سیاسی قضیه افغانستان، کشور ما را ترک می‌گویند و مردم افغانستان موقع می‌یابد بدون مداخله اجنبی سرنوشت خود را تعیین کند و دولت اسلامی را که در راه رسیدن به آن، صدها هزار تن شهید داده، تشکیل بدهد و در چنین دولتی، یقیناً برای وطن‌فروشان ملحد، جای پایی باقی نخواهد ماند، پس روس‌ها در چنین مرحله‌ای برای چه کسی ضمانت عدم مداخله را مطالبه می‌کنند؟ برای دولت اسلامی که توسط مردم افغانستان پایه‌گذاری می‌شود؟! ما فکر نمی‌کنیم هیچ‌کسی این قدر خوش‌باور شود که یگانه سودای روس‌ها این است که دولت اسلامی و مستقل افغانستان از گزند مداخلات خارجی‌ان در امن ماند، پس به عقیده ما هدف روس‌ها از مطالبه ضمانت بین‌المللی، تضمین بقای دولت مزدور کمونیستی پرچمی‌ها در افغانستان است و این مطلب را، مردم افغانستان قاطعانه رد کرده و دیگر اجازه نمی‌دهند که وطن‌فروشان خاین، پاسداران میهن‌شان گردد و اساساً مبارزه مسلح مردم مسلمان افغانستان علیه همین مزدوران آغاز شده است و بار دیگر حاضر نیستند، همین فاجعه دردناک و خون‌بار کنونی را بر مقدرات خویش حاکم سازند.

پس هرگاه اراده مردم افغانستان چنین باشد، حاصل روس‌ها از ضمانت بین‌المللی و از این همه رسوایی‌های سیاسی و نظامی چیست؟ و از همین جاست که سوالات

مختلفی در مورد حلّ سیاسی که روس‌ها به آن دل‌چسپی داشته باشند، پیدا می‌شود.

فکر می‌شود که منظور روس‌ها از قبول این همه درد سر، این باشد که یک‌بار مزدوران خویش را در کابل به‌حیث دولت‌قانونی بر بعضی کشورها بقبولانند و عسکر خود را بیرون کنند و آن‌گاه بلادِ رنگ به‌نام آنکه ضمانت عدم‌مداخلهٔ اجنبی مراعات نشد، مطابق درخواست رسمی حکومت مزدور در کابل، واپس قشون‌روسی به اشغال مجدّد افغانستان بپردازد و بار دیگر ملتِ مجاهد غافل‌گیر شده و سلاح را بر زمین گذاشته باشند، خطوط ارتباط جهانی به‌رویش بسته شده‌باشد و امکان قیام مجدّد و سرتاسری ناممکن گردد و آوارگانی که به میهن برگشته‌اند، به‌نام اینکه عامل اختلال امنیت داخلی‌اند و به خارج ارتباط دارند، به کشتارگاه‌های دسته‌جمعی سوق داده شوند و بدین‌وسيله شعله‌های فروزان انقلاب‌کنونی خاموش و کشور برای همیشه در کام اژدهای سرخ سقوط کند و این خواب‌های پریشان را روس‌ها دایم دیده و مزدوران‌روس‌ها در کابل همیشه گفته‌اند:

ما به مردم افغانستان نیازی نداریم.

بلی؛ آن‌ها به بانگ و دُهل فریاد می‌کشیدند: ما زمین افغانستان را کار داریم، نه مردمش را، ما آماده‌ایم که روی جُمُجمه‌های هژده میلیون افغان بنای کمونیزم را اعمار کنیم و آن وقت از روسیهٔ شوروی، برای سکونت در افغانستان، روس‌ها را بیاوریم، این‌ها تنها خیال‌پردازی نیست؛ بلکه عملکرد جنایت‌بار روس‌ها و مزدوران‌شان مؤیّد این توطئهٔ شوم است، پس هوشیار باید بود و مسئله را سطحی تلقی

نباید کرد، در اینجا این مطلب را ناگفته نباید گذاشت که حلّ سیاسی برای ما چه مفهوم دارد؟

ما معتقدیم، اگر به‌راستی روس‌ها از جنگ خسته‌شده و خواهان حلّ سیاسی‌اند - و طوری که «گورباچف»^{۴۸} گفته‌است: «افغانستان حیثیت زخم‌خونی را برای روس‌ها گرفته‌است» - دیگر چه مانعی در برابر روس‌ها قرار دارد که قشون خود را از افغانستان بیرون کشند؟

آن‌ها دیگر با که و چه نوع مذاکره‌ای نیاز دارند؟ روس‌ها خود، عامل فاجعه‌اند، دوام لشکرکشی‌شان در افغانستان، صلح و امنیت جهان را در مخاطره انداخته‌است، آن‌ها می‌توانند به این فاجعه جان‌سوز خاتمه بدهند و اگر لشکر خود را بکشند، ما هم تعهد می‌دهیم که به هیچ امریکایی اجازه داده نمی‌شود به‌سوی کشور ما کج نگاه کند، آن‌چنان که ما امروز چنین کرده‌ایم و در سنگرهای مان - طوری که خود روس‌ها خوب‌تر می‌دانند - جز ملتِ قهرمان افغان کس دیگری وجود ندارد، اگر بر فرض، وقتی حلّ سیاسی به میان آید، پس طرفین قضیه، پاکستان و ببرک کارمل نیستند، طرفین قضیه، روس‌های متجاوز و ملت مجاهد افغانستان و نمایندگان برحق مجاهدشان است.

ملت افغانستان حق تعیین سرنوشت کشور خود را

۴۸. گورباچف؛ در ۲ مارچ ۱۹۳۱ م، در روستای «پریولنویه» در نزدیکی اُستاوُرُوپول، شوروی به دنیا آمد، او در روسیه از مجبویّت کمی برخوردار است، علت این را اوّلًا نقش مهم او در فروپاشی اتحاد شوروی سابق و ثانیًا؛ مصایب اقتصادی پس از آن می‌دانند، وی آخرین رهبر اتحاد شوروی بوده و در حال حاضر او ساکن مسکو پایتخت روسیه می‌باشد. نگاه: ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد.

به کس دیگری واگذار نشده و نمی‌شود، هرگاه روس‌ها یک‌سره خاک افغانستان را ترک بگویند و استقلال و تمامیت ارضی و بی‌طرفی افغانستان تضمین گردد و مردم ما موقع یابند در مورد تعیین حق سرنوشت‌شان و در تشکیل دولت اسلامی آزاد باشند، در چنین حالتی ما هم، حاضر نیستیم، یک قطره خون ملت، بی‌هدف بریزد و بعد از آزادی از تسلط روس، اجازه نخواهیم داد، دیگران زنجیر غلامی خود را بر دست‌وپای ما نهند و هرگاه کسی چنین هدفی ناپاکی را بر دل پیروارند، علیه او قیام خواهیم کرد، آن‌چنان که با روس می‌جنگیم و ما پیش از اطمینان به آزادی کشور و بیرون رفتن قوای اشغالگر، سلاح را بر زمین نگذاشته شاخه زیتون به‌دستی و کبوتر صلح تسلیم‌طلبی را به‌دست دیگر نمی‌گیریم و قضیه خود را و سنگرهای گرم جهاد را به‌سردخانه‌های بی‌روح ملل متحد، انتقال نمی‌دهیم و تا بیرون راندن همه قشون اشغالگر روس و آزادی کامل و تشکیل دولت اسلامی که آرمان همه ملت مسلمان ما و بهای خون یک میلیون شهید گلگون‌قبا‌ی ماست، جهاد و مبارزه ما ادامه خواهد یافت.

اکنون؛ عصر تعیین سرنوشت ملت‌های آزادمنش، به‌دست دیگران گذشته‌است، ملت به‌پا خاسته ما با حفظ ثبات و استحکام سنگرهای گرم جهاد و تلاش گسترده سیاسی در سطح جهان؛ تا سرحد پیروزی مبارزه خواهد کرد و با شنیدن هر آوازه‌ای بی‌تصمیم و اراده نخواهد شد.

در آرزوی تشکیل دولت اسلامی آزاد و مستقل،
مُبارزه در همه ابعاد، گسترش و ادامه خواهد یافت.

نمایه

آيات:

إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا، ٣١

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ، ٣٥

الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا، ٣٩

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَّنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَّنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا، ٢٦
وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِنْ حَيْثُ أَخْرَجُوكُمْ،

٣٩

وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ فَقَاتِلُوا أَئِمَّةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ، ٣٨
وَجَعَلُوا أَعْرَءَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً، ٣١

وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ فَإِنْ انْتَهَوْا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ، ٣٩

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ، ٤٠

وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا
يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَا
يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ
الْغَافِلُونَ، ۳۴

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ
أَقْدَامَكُمْ، ۳۶

اسما و اشخاص:

استاد شهید، ۲۲

امین، ۱۵، ۱۹، ۲۲، ۳۵

اناهیتا راتبزاد، ۴۴

برک، ۱۵، ۱۶، ۴۴، ۴۸، ۵۱

پاپوتین، ۱۶

پتر دوّم، ۴۷

پتر کبیر، ۴۷

پل، ۲۱، ۴۷

پول پوت، ۲۰، ۲۱

تابییف، ۱۶

تره کی، ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۲۲، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۴۴

جیمزای، ۴۷، ۷۲

حبیب الله، ۱۵

حسن البنا، ۳۱، ۷۲

حسنی مبارک، ۲۰

حسین خان، ۴۴

داریوش آشوری، ۳۱، ۳۷

داود خان، ۱۶، ۱۸

ژوزف استالین، ۱۹

سکولوف، ۱۶

شیر احمد نصری حق شناس، ۴۳

ظاهرشاه، ۱۸

عبدالعلی دانشیار، ۳۲

کاترین کبیر، ۴۷

الکساندر اوّل، ۴۷

الکساندر دوّم، ۴۷

الکساندر سوّم، ۴۷

کور دویز، ۴۳

گورباچف، ۵۱

مارید، ۴۴

محمّد اکرام اندیشمند، ۴۳

محمّد کاظم شارقی، ۳۷

محمّد مرسی، ۲۰

محمّد نجیب، ۲۰

محمّد هاشم خان، ۲۲

ملک فاروق، ۲۰

مهدی حقیقت خواه، ۴۷ ، ۷۲

میر محمد صدیق فرهنگ، ۱۷

نجیب، ۱۵ ، ۴۴

نظر محمد، ۳۴

نیکلای اوّل، ۴۷

نیکلای دوّم، ۴۷

واسیلی متروخین، ۴۴ ، ۷۳

ہری ترومن، ۴۶

ہلسینکی، ۴۶

اماکن:

اُردُن، ۲۰

اروپا، ۳۲، ۴۶

اروپای شرقی، ۴۶

ازبکستان، ۴۵

اسرائیل، ۲۰

اسلام آباد، ۴۳، ۴۴

افریقا، ۲۰

افغانستان، ۱۵، ۱۶، ۱۷، ۱۸، ۲۲، ۲۴، ۲۵، ۲۶،

۲۹، ۳۲، ۳۴، ۳۷، ۳۸، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۶،

۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۷۲، ۷۳

امریکا، ۲۳، ۴۶

اُولان باتُور، ۴۷

ایران، ۲۴، ۴۴، ۴۵

آب کمری، ۴۴

آسیا، ۲۰، ۲۱، ۳۲، ۴۶

آسیای مرکزی، ۴۵

آن لونگ ونگ، ۲۱

البُرز، ۲۴

بریتانیا، ۳۸

بغداد، ۱۹

پاکستان، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۸، ۵۱

پریولنویه، ۵۱

پغمان، ۱۵

پل چرخى، ۱۷، ۳۵

پنوم پن، ۲۱

پولند، ۴۶

تاجیکستان، ۴۵

ترکمنستان، ۴۵

ترکیه، ۲۰

تهران، ۲۳، ۲۴، ۷۲

جنت، ۳۶

چین، ۲۱، ۴۴، ۴۵

خاورمیانه، ۱۹

خیابان خواجه عبدالله، ۲۴

دانشگاه کولمبیا، ۱۶

دریای مدیترانه، ۲۰

دَمَشَق، ۲۰

دوزخ، ۳۴

دهمزنګ، ۲۲

رود آمو، ۴۵

روسیه، ۲۱، ۳۲، ۴۴، ۴۶، ۴۷، ۴۸

روم، ۳۱

ژنیو، ۴۳

سایبریا، ۴۵

سودان، ۳۸

سوریه، ۱۹، ۲۰

سویس، ۴۳

سیر دریا، ۴۵

سین کیانګ، ۴۵

سینگهام، ۲۱

شبّه قاره هند، ۳۸

شرق میانه، ۱۹

شوروی، ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۳۲، ۳۴، ۴۶، ۵۰

عَدَن، ۱۹

عراق، ۱۹، ۲۰

غزنی، ۳۴

فرانسه، ۳۶

فنلاند، ۴۶

قاضی خیل، ۱۵

قرقیزستان، ۴۵

قزاقستان، ۴۵

کابل، ۱۷، ۱۸، ۴۳، ۴۴، ۴۸، ۴۹

کارتۀ چهار، ۳۵

کامبوج، ۲۱

کرملین، ۲۱، ۴۵

کمبودیا، ۲۱

لبنان، ۲۰

لهستان، ۴۶

ماوراءالنهر، ۴۵

مسکو، ۱۸، ۱۹، ۲۱، ۳۲، ۳۵، ۴۴

مصر، ۱۹، ۲۰

مغولستان، ۴۵، ۴۶

ناگاساکی، ۴۶

ناوہ، ۳۴

نیجریہ، ۳۸

نیویارک، ۲۳

واشنگتن، ۲۳، ۳۴

ورشو، ۴۶

ویتنام، ۲۱

ہانوی، ۲۱

ہند، ۲۱، ۳۴

ہندوستان، ۴۴

ہیروشیما، ۴۶

ہیروشیما، ۴۶

یمن، ۱۹

گروه‌ها، احزاب و قبایل:

اخوَت اسلامی، ۴۸

بلوچ، ۳۷

تِزار، ۴۷

جمعیت اسلامی افغانستان، ۲۵

جنبش خمر سرخ، ۲۰

حزب دموکراتیک خلق، ۱۵، ۳۵

حزب وطن، ۱۵

روس‌ها، ۱۶، ۳۰، ۳۲، ۳۵، ۳۷، ۴۴، ۴۶، ۴۸،

۴۹، ۵۰، ۵۱

سنّی، ۳۷

شیعه، ۳۷

کشورهای مشترک‌المنافع، ۳۲

کمونیست‌ها، ۴۶

مجاهدین، ۲۹

مسلمانان، ۴۴

مهاجرین، ۴۸

مؤمنین، ۳۶، ۴۰

هزاره، ۳۷، ۳۸

مفاهيم و اصطلاحات:

- اجنبی، ۱۶، ۴۹، ۵۰
اجیر، ۳۰
احتجاج، ۲۳
اختلال، ۵۰
إِخْطَار، ۲۵، ۴۵
ارجاع، ۱۱
ارجمند، ۲۲، ۲۵
اسارت، ۴۵
استثمار، ۳۲
استخراج، ۱۱
استعمار، ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۳۸، ۴۰
استقلال، ۳۲، ۳۴، ۵۱
اسكان، ۲۱
اسلام، ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۹، ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۳۷، ۳۸، ۴۳، ۴۴، ۴۷،
۷۲، ۷۳
اشغال، ۵۰
اشغالگر، ۴۴، ۴۵، ۴۸، ۵۲
اعصار، ۳۰
اعمار، ۱۷، ۲۲

اغفال، ۳۶

امپراتوری، ۳۱، ۴۶

امپریالیزم، ۳۱، ۳۳، ۳۴، ۳۸

امپریالیسم، ۳۰

امنیت، ۲۴، ۵۰

انباشته، ۴۸

انتخابات، ۲۰

انحلال، ۳۲

انسانیت، ۳۴، ۳۶

ایمان، ۲۵، ۳۶، ۳۹

آزادمنش، ۳۰

آزادی، ۲۳، ۳۰، ۳۳، ۴۵، ۴۶، ۵۲

بساط، ۲۵

بولشویک، ۱۹

بیچاره، ۲۲

پرتگاه، ۳۴

پیکار، ۳۳، ۳۹

تبار، ۲۱

تجاوز، ۱۵، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۴۷، ۴۸

تحقیر، ۳۱

تحولات، ۳۱، ۴۳، ۷۲

تزویر، ۴۵، ۴۶

تسلط، ۳۰، ۵۲

تطور، ۳۱

تعذيب، ۱۷، ۲۹، ۳۵

تعهد، ۵۱

تفرقه، ۳۷

توهين، ۳۱

جاسوس، ۱۶، ۲۳، ۳۲

جرم، ۱۹، ۲۳، ۲۹

جلاد، ۱۶

جنايات، ۱۵، ۱۶، ۱۹، ۲۱، ۲۲، ۳۱، ۳۵، ۴۸، ۷۲

جنيان، ۳۴

جهاد، ۳۳، ۳۵، ۳۶، ۴۰، ۵۲، ۷۲

جهان، ۲۰

چنگال، ۳۶

الحاد، ۲۵

حاکميت، ۳۹، ۴۸

حفر، ۲۱

حيثيت، ۳۰، ۳۳، ۳۴، ۵۱

حيله، ۳۱، ۳۷، ۳۹

خاين، ۴۹

خشتم، ۱۶

دردانگيز، ۴۸

دژ، ۲۱

دسايس، ۱۵، ۳۷، ۳۸، ۷۲

دلیر، ۲۵

دین، ۱۹، ۲۰، ۲۹، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۶، ۳۹، ۴۴

ذلت، ۳۳، ۳۶

رگبار، ۲۱

روس، ۱۵، ۳۰، ۳۱، ۳۴، ۵۲، ۷۲

ساواک، ۲۴

ستم، ۳۳

سَفَاک، ۱۵، ۱۷

شجاعت، ۳۰

شرافت، ۳۳

شهادت، ۱۵، ۱۷، ۲۵، ۴۷

صادق، ۳۰، ۳۶، ۴۸

ضمیر، ۱۷، ۲۳

طاغوت، ۳۳، ۳۴

ظلم، ۳۳، ۳۴، ۳۵

عدالت، ۱۶، ۱۷

عَفَت، ۱۶

عقیده، ۳۳

عُمَال، ۱۶، ۳۱، ۳۴، ۴۴

عمل، ۳۰

عهد، ۱۸، ۲۲

عیاش، ۴۴

عیان، ۱۶، ۱۷، ۱۸

غارت، ۳۵، ۴۷

غذا، ۱۵

فاقد، ۳۰

فحشا، ۳۲

فراز، ۲۳

فریب، ۳۷، ۳۸، ۳۹

فشرده، ۳۶

فغان، ۱۷

قتل، ۱۶، ۱۸، ۲۱، ۲۴، ۲۹، ۳۵، ۴۷

قشون، ۴۵، ۴۶، ۵۱، ۵۲

قیام، ۳۳، ۳۵، ۳۶، ۵۲

کثیف، ۱۹، ۲۲، ۳۳، ۳۷

کشتار، ۱۸، ۴۶

کفر، ۲۵، ۲۹، ۳۰، ۳۳، ۳۵، ۳۶، ۳۸، ۳۹

کلیسا، ۲۱

کیف، ۳۵

لجام گسیخته، ۱۶

لجوج، ۴۴

لُخت، ۱۷

لنینزم، ۴۴

مادر کیک‌ها، ۳۵

مار کسیرم، ۴۴

مالکیت اشتراکی، ۳۶

متعفن، ۲۲

متمدن، ۱۹

محصول، ۲۴

مُخَرَّب، ۴۷

مراقبت، ۲۴

مرگ، ۱۹، ۲۱، ۳۳، ۳۶، ۴۰

مزدور، ۳۰، ۳۳، ۳۵، ۴۷

مستضعف، ۹، ۱۳، ۲۵

مستقل، ۱۱، ۴۴، ۴۶، ۴۹، ۵۲

مسجد، ۳۲

مسلخ، ۲۲

مسلمان، ۱۵، ۱۶، ۲۲، ۲۳، ۲۷، ۲۹، ۳۰، ۳۳، ۳۵، ۳۶، ۳۷

۳۹، ۴۹، ۵۲

مسموم، ۱۶

مصنویت، ۱۶

مظالم، ۳۳

مظلوم، ۳۰، ۴۸

مُعاف، ۱۶، ۲۵

معصوم، ۲۳، ۲۹

مفکر، ۲۲

مُقاوَمَت، ۱۹، ۴۷

مکر، ۳۹

مکرر، ۴۳

مَلَّت، ۹، ۱۳، ۱۵، ۱۷، ۲۰، ۲۵، ۳۰، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۶،

۴۷، ۵۱، ۵۲

ملحد، ۴۹

ملعبه، ۳۰

مملو، ۲۲

منحوس، ۱۵

مؤمن، ۲۲، ۴۰

ناسيوناليسټ، ۱۸

ناگوار، ۲۹

ناموس، ۳۰، ۴۰

نفرت، ۱۶

نماز، ۲۹، ۳۲

ننگين، ۱۵، ۱۸

وحشت، ۳۵، ۴۷

وحشتناك، ۷، ۸، ۹، ۱۳

وحشيانه، ۱۵، ۱۷

هوشيار، ۵۰

يورش، ۱۶، ۴۷

روی کردها

- ♦ قرآن کریم؛
- ♦ استریکلر: جیمزای استریکلر؛
- روسیه تزاری، مترجم: مهدی حقیقت‌خواه، تهران: ققنوس، ۱۳۸۱ هـ ش؛
- ♦ آشوری: داریوش آشوری؛
- دانشنامه سیاسی، تهران: چاپ‌خانه گلشن، چاپ یازدهم، ۱۳۸۴ هـ ش؛
- ♦ اندیشمند: محمد اکرام اندیشمند؛
- ماویا کستان، نشر پیمان، سال، ۱۳۸۶ هـ ش؛
- ♦ البنا: امام شهید حسن البنا؛
- نگرش‌هایی در اسلام؛
- ♦ حق‌شناس: دکتور شیر احمد نصری حق‌شناس؛
- تحولات سیاسی جهاد افغانستان، جلد دوم، سال ۱۳۸۵ هـ ش، محل چاپ: مطبعه نعمانی؛
- دسایس و جنایات روس در افغانستان، تهران: کمیته فرهنگی دفتر مرکزی جمعیت اسلامی افغانستان، ۱۳۶۳ هـ ش؛
- ♦ خرم‌دل: د. مصطفی خرم‌دل؛
- تفسیر نور، تهران: نشر احسان، چاپ پنجم، ۱۳۸۶ هـ ش.

- ♦ دانشیار: امیر اعتماد دانشیار؛
- جنگ افغانستان و شوروی عامل فروپاشی جهانی کمونیزم، ناشر: مؤسسه انتشارات بهینه، سال چاپ: ۱۳۷۱ هـ ش؛
- ♦ ربانی: شهید پروفسور برهان الدین ربانی؛
- داود خان در گذشته ننگین، حاضر جنایت بار و مستقبل هولناک، سال چاپ ۱۳۵۵ هـ ش؛
- کودتای ۲۶ سرطان و سیمای زعامت داود خان، سال چاپ ۱۳۵۶ هـ ش؛
- ♦ شارقى: شهید محمد کاظم شارقى؛
- ارزش خون در کمونیزم و اسلام، میثاق خون، شماره سیزدهم، سال، ۱۳۶۰ هـ ش؛
- ♦ عظیمی: جنرال محمد نبی عظیمی؛
- اردو و سیاست؛
- ♦ فرهنگ: میر محمد صدیق فرهنگ؛
- افغانستان در پنج قرن اخیر، جلد اول و دوم؛
- ♦ گوردوین: دیگو کوردوین، سلیک اس هریسون؛
- پشت پرده افغانستان، ترجمه: اسدالله شفايي؛
- ♦ متروخین: واسیلی متروخین؛
- کی. جی. بی در افغانستان، ترجمه: حمید سیماب؛
- ♦ یوسفزی: شیر شاه یوسفزی؛
- تاریخ مسخ نمی شود.

تارنماهای انترنتی

- ♦ سایت آمار ایران؛
- ♦ سایت اخوان اون لاین؛
- ♦ سایت پرسومان؛
- ♦ سایت پیام آفتاب؛
- ♦ سایت قرآن پارس؛
- ♦ سایت واژه یاب؛
- ♦ سایت ویکی پدیا، دانشنامه آزاد؛
- ♦ سایت ویکی گفتاورد؛
- ♦ الموسوعة الحرة.